

## تا مردم در عادت و تقلید از جاهلیت دوران غرق نشوند

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِبَاعَبْدِاللّٰهِ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ»

«عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»

امام حسین «علیه السلام» با نظر به شرایط تاریخی خود میفرماید: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ... أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»

حال با توجه به آنچه در فرهنگ شهید و شهادت در طول تاریخ جریان داشته، می توان به پدیده‌ی شهادت نظر کرد و گفت:

1- شهادت نحوه ای دیگر از صیانت نفس: راز شهادت به عنوان یک رخداد مهم انسانی در متن تاریخ را باید مربوط به کسانی دانست که متوجه شدند مرگ آن‌ها یک رسالت تاریخی است و آن‌چه باید در آن تاریخ به ظهور آید با مسابقه در مرگ به ظهور می آید و نه با فرار از مرگ که اسلحه‌ای است در دست یزیدیان.

شهادت به درجه‌ای از آگاهی می‌رسند که صیانت نفس خود را به بهترین شکل در زیباترین فعل که همان شهادت است، انجام می‌دهند می‌کنند. زیرا بر خلاف تصور دشمن می‌دانند که بعد از شهادت حضور آن‌ها در عالم صدچندان خواهد بود و چرا در این حضور، دغدغه‌ی قرضی را که باید در این دنیا اداء کنند نداشته باشند تا پس از مرگ، کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین حضور را در این عالم داشته باشند و به گستردگی همه‌ی حماسه‌های قدسی خود را گسترش ندهند؟

2 - حادثه‌ها در نگاه تقدیر تاریخی انقلاب اسلامی: برای کسی که متوجه‌ی گشایش تاریخی خود شده است و سعی می‌کند به تقدیری که خداوند در آن زمان برای بشریت شکل داده نزدیک شود، هر حادثه‌ای معنای خاصی مناسب آن تقدیر دارد که در انقلاب اسلامی معنای بیرون‌شدن از سیطره‌ی جاهلیت دوران است اگر با نگاه انقلاب اسلامی به حادثه‌ها نظر شود و این بصیرت بزرگ شهادت دفاع مقدس و شهادت دفاع از حرم اهل‌البیت است.<sup>1</sup>

3- شهدا و عبور از جاهلیت دوران: چیزی از ظهور اسلام نگذشته بود که عنصر فکری اموی یعنی نماینده‌ی جاهلیت، باز به میدان آمد تا معناهای جهان اسلام را باز به همان عادت‌های گذشته برگرداند و بر عکس آن، عنصر شهادت در کربلا یادآور عظمت اسلام و تفکر حقیقی اسلام شد تا مردم در عادت و تقلید از جاهلیت غرق نشوند. درست همین کار را شهادت دفاع مقدس و شهادت دفاع از حرم اهل‌البیت «علیهم السلام» به دوش گرفتند و بدین لحاظ است که ما همواره سعی می‌کنیم شهدا را به جهان خود بیاوریم و جهان خود را به آن‌ها عرضه کنیم تا عبودیت و قرب به خدا به جهان ما بازگردد.

4- راه تحقق آینده، ناهمواری‌ها و هزینه‌های آن: شهدا با تکیه بر همت بلند خود و بستگی و تعلق به تصویری که از تاریخ خود داشتند، راه خود را پیمودند تا مردم گمان نکنند ما تصویری از آینده‌ی خود نداریم و برای تحقق آن تلاش نمی‌کنیم و نیز تا گمان نکنند راه تحقق آینده راهی آسان و بدون هزینه است. راه آینده یعنی راهی که مربوط به فرهنگ و دیانت ما است و در این دوران هرگز آن راه هموار و آسان نیست ولی با فداکاری و تفاهم می‌توان آن را پیمود به شرط آن‌که از راهی که زندگی غربی در مقابل ما گشوده است، منصرف شویم و به نوعی دیگر از زندگی که با فکر و فرهنگ ما متناسب است، نظر کنیم. لاقلاً به نوع دیگری از زندگی فکر کنیم که تکلیف خانه و مدرسه و سلامت ما را ابوسفیانِ دیروز و فرهنگِ غربی امروز تعیین نکند تا شأن تازه‌ای پیدا کنیم.

5- شهادت؛ خون جاری در پیکر نیمه جان یک ملت: وقتی ملتی جایگاه تاریخی خود را گم کرد، نه در دیروزش جایگاه اسلام را درست می‌فهمد تا به غدیر و امام حسین «علیه السلام» درست بنگرد، و نه در امروزش می‌تواند انقلاب اسلامی را بفهمد، و نه از تقلید 200 ساله‌اش

<sup>1</sup> - مقام معظم رهبری در کنار پیکر شهید حججی به خانواده آن شهید فرمودند: اخلاص این جوان و آن تبت پاک این جوان و به موقع حرکت کردن این جوان و نیاز جامعه به این جور شهادتی، این موجب شده که خدای متعال، نام این جوان شما را، شهید شما را، بلند کرد

از غرب بهره می‌برد و همواره در یأس به سر خواهد برد. و شهادت برای دگرگونی چنین ملتی است تا به خود آیند و به نوعی دیگر از زندگی بیندیشند. زیرا اگر ملتی بداند در چه زمانی به سر می‌برد، آن توانایی و استعداد را پیدا می‌کند تا مسائل خود را دریابد و آن را رفع کند. و از این جهت شهادت، خون جاری در پیکر نیمه جان یک ملت محسوب می‌شود.

6- شهدا؛ راز آگاهان تاریخ: از آنجایی که آینده‌نگری آموختنی نیست تا کسی با درس و مدرسه به دست آورد و آن با چشم و گوش باز کسانی که محرم راز زمانه‌اند حاصل می‌شود، می‌توان شهدا را که متوجه راز زمانه‌ی خود شده‌اند، بصیرترین انسان‌های تاریخ دانست از آن جهت که زمان و مقضیات زمانه‌ی خود را می‌شناختند و می‌دانستند چه می‌توانیم بکنیم و چه نمی‌توانیم انجام دهیم، بصیرتی که در داعشی‌ها نبود و نیست.

7- شهدا و فهم این که آینده‌ی هر ملتی، متعلق به آن ملت است: انسان‌های بصیر می‌دانند آینده‌ی هر ملتی متعلق به جهان خاص آن ملت است و هر ملتی نمی‌تواند هر آینده‌ی را داشته باشد زیرا آینده‌ی آن ملت چیزی جز تحقق وجود آن ملت و توانایی‌های آن‌ها نیست و شهدا با چنین بصیرتی نه نسبت به تحقق آینده‌ی که در جلو ملت‌شان قرار داشت مأیوس بودند، و نه به چیزی می‌اندیشیدند که عملی و دست‌یافتنی نباشد. لذا با شور و تحرک تمام تا مرز شهادت برای تحقق آینده‌ی که می‌شناختند پا در میان گذاشتند.

8- شهادت فشرده‌ای از طی مراحل سلوک الی الله . شهادت، با نظر به رسالت تاریخی، فشرده‌ای از طی مراحل سلوک الی الله است و جواب‌گویی به ندای «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» که فرمود مگر من پروردگار شما نیستم و مگر شما از آن من نیستید؟ پس کدام راه برای جان شما گشوده‌تر از رجوع به پروردگارتان است و با شهادت رجوع الی الله به صورتی کامل فراهم می‌گردد وقتی سفره‌ی گسترده‌ی شهادت فراهم باشد.

9- جهش تاریخی زیر سایه‌ی رهبری الهی: همان‌طور که وقتی وارد بازی شدیم، بازی است که ما را به بازی می‌گیرد و بازی مستقل از آن‌هایی که بازی می‌کنند روح خاص خود را دارد، اگر کسی وارد تاریخی شد که تقدیر زمانه‌ی او بود، آن تقدیر است که او را در بر می‌گیرد و با روح خاص زمانه او را جلو می‌برد و به انسانی جاویدان و پرفایده تبدیل می‌کند. او وارد رخدادی می‌شود که در هر مواجهه‌ی روحی جدید مطابق آن تاریخ می‌آفریند، مثل دفاع مقدس هشت ساله که هر لحظه رزمندگان و سرداران را در درون خود جذب می‌کرد و آن‌ها مستغرق آن دفاع تاریخی می‌شدند، زیرا با انقلاب اسلامی تاریخی شروع شده بود شبیه تاریخی که با نهضت کربلا شروع شد و رزمندگان در روز عاشورا سر از پا نمی‌شناختند زیرا آن تاریخ، همه‌ی وجود آن‌ها را در زیر سایه‌ی حضرت سیدالشهدا «علیه‌السلام» در بر گرفته بود. تاریخ ظهور امام حسین «علیه‌السلام» در حال وقوع بود و آن‌ها نمی‌خواستند از آن تاریخ بیرون باشند. یاران امام حسین «علیه‌السلام» در کنار آن حضرت با جهان دیگری مواجه شدند و جهانی غیر از جهان یزیدی برای آن‌ها پدیدار گشت که فهم آن‌ها را از خود و جهان‌شان تغییر داد. و این همان جهش تاریخی است که در زیر سایه‌ی رهبری الهی برای یک ملت واقع می‌شود.

10- وقت‌شناسی ائمه «علیهم‌السلام»: امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» در آخر خطبه‌ی 190 می‌فرماید: «فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا» برای هر چیزی مدت و سرآمدی است. حضرت صادق «علیه‌السلام» می‌فرماید: «نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ» ما داناترین افراد به وقت هستیم. حضرت علی «علیه‌السلام» در رابطه با شناخت زمان و زمانه می‌فرماید: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ» داناترین مردم به زمان کسی است که از تحولات آن دچار شگفتی نشود و خویشتن را نبازد. امام صادق «علیه‌السلام» می‌فرماید: «فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلِسَانِهِ» در دستوره‌ی حکیمانه‌ی آل داود چنین آمده است که وظیفه‌ی انسان خردمند است که زمانه‌ی خویش را بشناسد.

السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ... أَنْتُمْ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمْ السُّعْدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ فُزْتُمْ بِالذَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ...